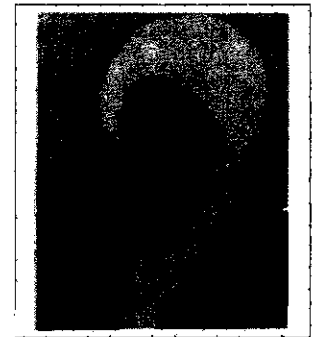


## درگذشتگان

### شهادت آیت الله غروی تبریزی



فقیه پرآوازه و مرجع بلند پایه شیعه، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج میرزا علی غروی تبریزی - قدس سره الشریف - یکی از مفاخر فقهای نجف اشرف به شمار می رفت. آن بزرگوار در سال ۱۳۴۹ ق (۱۳۰۹ ش) در تبریز در خانواده ای مشهور و تجارت پیشه زاده شد. دو ساله بود که گرد یتیمی بر سرش نشست. در شش سالگی به فراگیری علم همت گماشت و پس از یادگیری خواندن و نوشتن و تحصیل مقدمات، به آموختن علوم دینی روی آورد. حاشیه، معالم و مقداری از شرح لمعه را در محضر مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ علی اصغر باغمیشه ای فرا گرفت و پس از چندی به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و مکاسب را نزد آیت الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت الله سید حسین قاضی و کفایه را در درس آیت الله العظمی حاج سید

احمد خوانساری فرا گرفت. ۱۶ ساله بود که در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله بروجردی، آیت الله سید محمد حجت کوهکمری، آیت الله خوانساری و آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی شرکت جست و پس از آشنایی با مبانی فقهی اساتید خویش، در سال ۱۳۷۰ ق به نجف اشرف کوچید و با جدیت تمام در دروسهای فقه و اصول آیات عظام: حاج سید ابوالقاسم خویی، میرزا محمد باقر زنجانی و آقا شیخ حسین حلی حاضر شد و علاوه بر فقه و اصول، از بحث های تفسیری آیت الله خویی نیز بهره برد و مورد توجه بسیار اساتید خویش - به ویژه آیت الله خویی - قرار گرفت و از آنان به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی مفتخر گردید.

معظم له در خلال تحصیل، به تدریس سطوح عالی به پرداخت و پس از چندی به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد شیخ انصاری و مدرسه دارالحکمة روی آورد و این، بیش از چهل سال از دوران زندگی پربارش را تشکیل داد که حاصل آن تربیت شاگردان بسیار و تألیفات گوناگون فقهی و اصولی است. فقید سعید، پس از درگذشت آیت الله العظمی خسویی به عنوان یکی از مراجع تقلید طراز اول نجف اشرف مطرح گشت و حلقه درس او گروه بسیاری از فضلالی حوزه را به سوی خویش جلب نمود و درسش یکی از بزرگترین و سودمندترین بحث های فقهی نجف به شمار می رفت، که

همه روزه صبح و عصر در مسجد جواهری تشکیل می شد و صدها نفر در آن شرکت می نمودند. آیت الله فقیه در نظم و ترتیب زبانزد همگان بود، و اوقاتش مصروف تدریس، تألیف، مطالعه، عبادت، اقامه نماز جماعت در حرم مطهر امیرالمؤمنین - علیه السلام - و پاسخ به استفتائات می گردید. رعایت ورع و تقوا و التزام به آداب و مستحبات و رعایت مکروهات و زهد و ساده زیستی و دقت در مصرف وجوهات شرعی در زندگانی اش مشهود همگان بود. همه روزه زیارت عاشورا را پس از اقامه نماز صبح قرائت می کرد و همه هفته، شب های جمعه به زیارت مرقد مقدس ابی عبد الله الحسین علیه السلام می شتافت و سرانجام در همین راه، به شرف شهادت نایل آمد.

تالیفات آن مرجع بزرگوار عبارت است از:

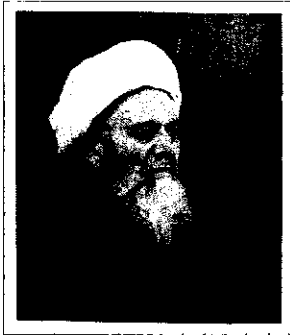
۱. التتقیح فی شرح العروة الوثقی (۱۲ ج تاکنون). این کتاب تقریرات بحث فقه آیت الله العظمی خویی است که در حوزه های علمیه مورد توجه فراوان قرار گرفته و استادان بر آن تقریظ گران بهایی نگاشته و از قلم شیوا و بیان زیبای او تمجید نموده است. از این کتاب بحث های: اجتهاد و تقلید، طهارت (۹ جلد) و صلاة نگاشته شده است و بقیه آن ادامه دارد.

۲. توضیح المسائل
۳. الفتاوی المستنبطه
۴. مناسک حج
۵. حاشیه عروة الوثقی

۶. تقریرات درس اصول آیت الله شیخ حسین حلی
۷. تقریرات درس اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی
۸. تقریرات درس فقه آیت الله خوئی (به جز آنچه به چاپ رسیده است - بحث صلاة)
۹. شرح استدلالی بر مکاسب (۲ جلد آن به چاپ رسیده است).
۱۰. حاشیه بر کفایه
۱۱. کتاب المکاسب
۱۲. کتاب البیع
۱۳. کتاب الخیارات
۱۴. دوره کامل علم اصول
۱۵. فروع علم اجمالی
۱۶. صلاة المسافر
۱۷. القواعد الفقهية: قاعدة ید، قاعدة طهارت، قاعدة تجاوز و رضاع
۱۸. تسنید الفتاوی المستنبطه. در این کتاب به ادله و مستندات فتاوی خویش پرداخته و چند جلد از آن برآمده است.
۱۹. موجز الفتاوی المستنبطه.
- سرانجام آن فقیه بزرگ در شب جمعه ۲۴ صفر الخیر ۱۴۱۹ ق (۲۹ خرداد ۱۳۷۷ ش)، در ۷۰ سالگی در راه بازگشت از زیارت کربلا، مورد بغض و کینه دشمنان اسلام قرار گرفت و به همراه خادم و داماد و راننده اش به شهادت رسید. و پیکر پاکش را مخفیانه و بدون تشییع، در وادی السلام به خاک سپردند. با انتشار خیر شهادت آن مرجع عالیقدر موجی از غم و اندوه در میان شیعیان جهان سایه افکند و پیام های تسلیت متعدد از سوی مقام معظم رهبری، مراجع تقلید، علمای اعلام، نهادها و سازمان های گوناگون صادر شد و مجالس بزرگداشت مقام علمی و عملی اش تا مدت ها در ایران و سایر نقاط ادامه یافت. عاش سعیدا و مات سعیدا.

\*

### شهادت آیت الله نجفی بروجردی



فقید زاهد، عالم عابد و شهید شاهد حضرت مستطاب آیت الله حاج شیخ مرتضی نجفی بروجردی - قدس سره الشریف - یکی از علمای بزرگ نجف اشرف به شمار می رفت. فقید سعید در سال ۱۳۴۸ ق (۱۳۰۷ ش) در نجف اشرف، در بیت علم و فقهت زاده شد.

پدرش مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ علیمحمد بروجردی (۱۳۱۵-۱۳۹۵ ق) یکی از مراجع تقلید شیعه و از برترین تلامذه آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی، محقق اصفهانی و آقا سید علی قاضی به شمار می رفت. کتاب های: توضیح المسائل، مناسک حج، انیس المقلدین، حاشیه عروه، کتاب الخمس از آثار وی است. فقید سعید در شش سالگی به مکتب رفت و خواندن و نوشتن بیاموخت، و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد. سطوح فقه و اصول و حکمت را در محضر والد بزرگوارش و اساتید دیگر (همچون مرحوم آیت الله حاج سید سجاد علوی گرگانی و مرحوم آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای) بیاموخت و پس از آن در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: سید محسن حکیم و شیخ حسین حلی و آیت الله العظمی خوئی شرکت جست و از خرمن فیض آن بزرگوار، در بیش از چهل سال استفاده بسیار برد. و درس های فقه و اصول استادش را در حدود ۴۰ جلد به رشته تحریر درآورد.

معظم له سالیان فراوان در حوزه علمیه نجف به تدریس سطوح عالی و خارج فقه و اصول، تالیف، امامت جماعت پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت نمود. وی اقامت در نجف و ادامه درس و بحث را در حوزه نجف بر خویش واجب می دانست و از معدود علمای بنام حوزه علمیه به شمار می رفت که مانند در آنجا و تحمل سختی ها و گرفتاری ها را بر جان خرید و از مشکلات نهراسید تا حوزه هزارساله نجف از هم میپاشد و چراغ علم و فقهت را همچنان تابان و فروزان نگاهداشت. با اینکه تمام وسائل مهاجرتش به ایران آماده بود و بدون شک، تمام مناصب و مقدمات شهرت در حوزه علمیه قم، در انتظارش بود اما به ایران مهاجرت نکرد. او می گفت: من مجبوزی برای حرکت نمی بینم، زیرا حفظ و ابقاء این حوزه مقدسه را که اینک به ودیعت به دست چند نفر معدود (و انا اقلهم) سپرده شده، در شرایط کنونی فرض و لازم می دانم...».

فقید سعید از بیانی شیوا و قلمی زیبا برخوردار بود و درسش یکی از درس های پررونق حوزه نجف در دهه اخیر بود. پس از وفات آیت الله خوئی، از او تقاضای بسیاری بر چاپ رساله اش و نشر فتاواش می شد، که وی با فروتنی فراوان این تقاضا را نپذیرفت و برای حفظ وحدت، دیگران را به یکی از مراجع تقلید نجف اشرف ارجاع می داد. از ویژگی هایش صراحت لهجه و شجاعت ذاتی اش بود، به گونه ای که به تقاضای مکرر رژیم بعثی عراق مبنی بر ترك نماز جماعت در حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) و ارتباط کمتر با جوانان، وقعی نمی نهاد و همین باعث خشم و دشمنی رژیم بعثی با ایشان گشته بود، به گونه ای که چند بار مورد سوء قصد آنان قرار گرفته بود و یکبار در اثر شدت جراحات، در بیمارستان «حی السعد» نجف بستری گردید (و تا آخر عمر از عوارض ناشی از آن رنج می برد).

جلسات درس آیت الله شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی فراگرفت و پس از آن سالیان بسیار در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده - فرزندان آخوند خراسانی و زعیم حوزه علمیه مشهد - و علامه میرزا مهدی غروی اصفهانی شرکت کرد و علاوه بر آنها، درس معارف قرآنی را نیز از استاد اخیرش فراگرفت و در شمار یکی از تلامذه برجسته آن مرحوم به شمار آمد.

فقیه سعید در سال ۱۳۶۲ ق پس از اخذ اجازه اجتهاد و روایت از استادش غروی اصفهانی (که مورد تایید آیت الله حجت کوهکمری هم قرار گرفت) به زادگاهش بازگشت و به ارشاد و راهنمایی مردم پرداخت و همزمان به مبارزه بر علیه کمونیستها و ایادی پیشه وری برخاست و پس از ختم آن غائله شوم، رهبری مذهبی منطقه را بر عهده گرفت و به جلوگیری از منکرات و ترویج فضائل اخلاقی و رسیدگی به نیازمندان و محرومان همت گمارد. این اقدامات برای گروهی از خوانین و مالکین منطقه گران آمد و به مبارزه عملی و اذیت و آزار وی پرداختند و فضای رعب و وحشت بر علیه او و هوادارانش ایجاد کردند، تا بدانجا که وی پس از شانزده سال اقامت در زادگاهش، در ۱۳۷۸ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و مورد تکریم آیت الله العظمی بروجردی قرار گرفت و در آن حوزه مقدسه به تدریس فقه و تفسیر و کلام و اصول و معارف اهل البیت علیهم السلام پرداخت و این، بیش از چهل سال از عمر پربارش را تشکیل داد. وی در ایام تبلیغی و تابستان‌ها به وطنش تشریف می‌برد و با تمام توان به ترویج شعائر دینی، فصل دعای و رفع خصومات، رسیدگی به مسمندان و عمران بناهای خیریه (بنیاد کتابخانه عمومی، تعمیر مسجد «ترک»، احیاء قنوات و چشمه‌ها، کمک به احداث مساجد و شرکت در تأسیس دانشسرای دولتی) می‌پرداخت. معظم له

با اصابت چند گلوله، به درجه رفیعه شهادت نائل آمد و روح شریفش به موالیان طاهرینش پیوست. پیکر پاکش پس از یک تشییع باشکوه و نماز آیت الله جعفر مرعشی بر آن، در وادی السلام به خاک سپرده شد. به مجرد پخش خبر شهادت ایشان، از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای و مراجع معظم تقلید پیام‌های تسلیت صادر گردید و مجالس بزرگداشت وی، تا مدت‌ها ادامه یافت. عاش سعیدا و مات سعیدا.

\*

### در گذشت آیت الله ملکی میانجی



عالم ربّانی حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد باقر ملکی میانجی - قدس سره - یکی از محدثان و مفسران مشهور حوزه علمیه قم به شمار می‌رفت. معظم له در سال ۱۳۲۴ ق (حدود ۱۲۸۵ هـ ش) در روستای «تُرک» از توابع شهرستان میانه به دنیا آمد و پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن و دروس مکتبی، به تحصیل علوم دینی روی آورد و در محضر آیت الله سید واسع کاظمی ترکی (م ۱۳۵۲ ق) - از فضیلات شاگردان آخوند خراسانی - به تحصیل فنون ادب و ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول (ریاض و قوانین) پرداخت و در ۲۵ سالگی (اواخر ۱۳۴۹ ق) به مشهد مقدس هجرت گزید و سطوح عالی فقه و اصول (رسائل)، مکاسب و کفایه) را نزد آیت الله شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را نیز در محضر آیت الله شیخ مجتبی قزوینی و هیئت راهم در

از دیگر ویژگی‌هایش وارسستگی و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، عشق فراوان به ساحت مقدس ائمه اطهار (ع) به خصوص امام حسین (ع) بود. وی هر روز زیارت عاشورا قرائت می‌کرد و هر شب جمعه، خود به همراه خانواده‌های علمای زندانی در عراق، به کربلا مشرف می‌شد (و در رفت و برگشت، هزینه سفر را بر عهده می‌گرفت) و هر از چندگاه، عده‌ای را به نفقه خویش رهسپار سامراء و زیارت مرقم مقدس عسکریین (ع) می‌نمود (تا حرم مطهر ایشان هم خلوت نباشد). وی به انقلاب اسلامی ایران عشق می‌ورزید و از زائران ایرانی به گرمی استقبال می‌نمود و بدیشان می‌گفت: «سلام مرا به حضرت آیت الله خامنه‌ای برسانید و بگوئید که من برای شما در اینجا دعا می‌کنم...»

معظم له در سرپرستی و یاری رساندن به خانواده‌های زندانیان عراق نقش بسیار داشت و به طور ناشناس و مرتب مایحتاج زندگی ایشان را تأمین می‌نمود.

برخی از تالیفات معظم له عبارت است از:

۱. مستند العروة الوثقی - تقریرات درس فقه آیت الله العظمی خویی - (۳۰ ج)
- بخش‌هایی از این کتاب در مباحث: صلاة، زکات، خمس، صوم و اجاره در ۱۶ جلد - تاکنون - به چاپ رسیده و مباحث: طهارت، حج، مکاسب، مضاربه، مزارعه، شرکت، نکاح و ... به صورت مخطوط باقی مانده است.
۲. تقریرات درس اصول آیت الله خویی
۳. حاشیه بر عروة الوثقی
- سرانجام آن فقیه فقید، در ۷۰ سالگی، در تاریخ یکم اردیبهشت ۱۳۷۷ ش (۲۳ ذیحجه الحرام ۱۴۱۸ ق) در راه بازگشت از زیارت امیرالمؤمنین و اقامه نماز جماعت مغرب و عشا مورد هجوم ناجوانمردانه گروهی از دشمنان دین و مذهب قرار گرفت و

دارای خطی خوش و محضری نیکو و حافظه ای قوی بود، بسیاری از قرآن مجید و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و اشعار بسیار را در حفظ داشت و در تفسیر قرآن، فراوان از صحیفه بهره می برد. به ادای نوافل و تهجد شبانه و قرائت مستمر قرآن و ادعیه و رعایت آداب شرع مقید بود و مراسم عزاداری امام حسین (ع) را با شکوه خاصی برگزار می کرد. از تظاهر و خودنمایی سخت به دور بود و عزت نفس توأم با زهد و تقوی در زندگانی اش مشهود بود. علم را دوست می داشت و آنرا حتی در کهولت سن و بیماری - دنبال می کرد. وی از بازماندگان و مروّجان مکتب معارفی خراسان بود و مبانی استادش آیت الله میرزا مهدی اصفهانی را با بیان و بنان خود ترویج می کرد، اما در مسلک تفسیری خویش، بر اجتهاد و استنباط خود تکیه می کرد و فکرش برگرفته از انوار مقدس قرآن و حدیث و عقل بود. معظم له به جز تدریس و تربیت شاگردانی چند، به تألیف کتابهایی دست زد، که برخی از آنها عبارتند از:

۱. بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام - موضوع طهارت و صلاة.
۲. تفسیر فاتحة الكتاب
۳. مناهج البیان فی تفسیر القرآن (۶ جلد). تفسیر اجزاء چهار گانه نخست و دو جزء ۲۹ و ۳۰
۴. توحید الامامیه
۵. رساله «روح در قرآن» و «شفاعت» - همراه با تفسیر جزء سی ام قرآن و بدایع الکلام به چاپ رسیده است.
- (نیز کتاب «نگاهی به علوم قرآنی» از آثار آیت الله ملکی میانجی توسط علینقی خدایاری نگاشته شده و به چاپ رسیده است).
۶. آثار مخطوط ایشان عبارت است از: الرشاد فی المعاد

۷. رساله در «حبط و تکفیر»

۸. رساله در «خمس»

۹. رساله در «نکاح و طلاق»

۱۰. رساله در «مواریث»

۱۱. رساله در «احکام میت»

۱۲. تقریرات درس اصول آیت الله میرزا

مهدی اصفهانی

۱۳. رساله هایی در معارف اهل بیت و

تفسیر قرآن

۱۴. احکام الصلاة.

سرانجام آن فقیه والا مقام پس از عمری

تلاش و کوشش در اعتلای کلمه حق، در

شب جمعه ۱۰ صفر ۱۴۱۹ ق (۱۵ خرداد

۱۳۷۷ هـ.ش) در ۹۵ سالگی بدرود حیات

گفت و پیکر پاکش در روز شنبه پس از یک

تشییع گسترده و نماز آیت الله وحید خراسانی

- مد ظله العالی - بر آن، در قبرستان شیخان به

خاک آرمید و مجالس یادبودش در شهرهای

متعدد برگزار شد.

\*

در گذشت آیت الله شیخ محمد امین زین الدین



فقیه بزرگوار و عالم عامل عالیقدر مستطاب آیت الله شیخ محمد امین زین الدین - طاب ثراه - یکی از علمای بزرگ و فقههای مشهور نجف به شمار می رفت. فقیه سعید در سال ۱۳۳۳ ق (۱۹۱۴ م) در «نهرخوز» از توابع بصره، در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد. پدر بزرگوارش شیخ عبدالعزیز (م ۱۳۴۷ ق) از علمای بصره و نیای او شیخ زین الدین ثانی از علمای بزرگ بحرین و نخستین کسی بود که از خانواده او، از بحرین

به بصره مهاجرت کرد. نیز جدّ اعلایش شیخ

زین الدین اول از علمای بحرین در زمان خود

بوده است. وی ادبیات و مقدمات علوم دینی

را در زادگاه خود نزد پدر و دیگران فرا گرفت

و پس از وفات پدرش بود که آهنگ نجف کرد

و در سال ۱۳۵۱ ق (۱۸ سالگی) به حوزه

علمیه نجف درآمد و با تمام تلاش، در پی

کسب کمالات و آموختن دانش اهل بیت (ع)

برآمد. وی سالیان بسیار در محضر آیات

عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا شیخ

ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی

اصفهانی، آقا سید حسین بادکوبه ای، سید

محسن حکیم - قدس الله اسرارهم - زانوی

ادب به زمین زد و از آنان فقه، اصول،

حکمت و کلام را بیاموخت و در آن به مرتبه

رفیع و باشکوه اجتهاد دست یافت. فقیه

سعید علاوه بر تحصیل، به تدریس بسیاری از

متون فقه، اصول، ادب و اخلاق و علوم

لغوی و فلسفی پرداخت و بسیاری از فضلا را

پرورش داد، که برخی از آنها عبارتند از:

حضرات آقایان: شیخ محمد مهدی آصفی،

شیخ احمد بهادلی، دکتر عبدالهادی فضلی،

شیخ علی زین الدین، شهید سید محمد

مهدی حکیم، شهید شیخ مهدی سماوی،

دکتر سید محمد بحر العلوم، دکتر سید

مصطفی جمال الدین، سید رؤف

جمال الدین، شیخ ضیاء الدین زین الدین

فرزندش).

فقیه سعید افزون بر تحصیل و تدریس،

هر ساله برای تبلیغ دین به بحرین و بصره و

قطیف و احساء می رفت و از این رهگذر

مؤمنان را ارشاد و راهنمایی می کرد، او به

ویژه در بحرین - در قریه «کرزکان» دارای

- که حداقل سه ماه به طول می انجامید - به

اقامه نماز جماعت روزانه، القاء دروس و

محاضرات برای جوانان، فصل خصومات و

رفع دعوی قبیله ای و از همه مهمتر به اقامه

نماز جمعه می پرداخت، که در آن مردمان

بدرود زندگی گفت و پس از تشییعی باشکوه و نماز فرزندش - آقا ضیاء الدین - بر پیکر پاکش، در خانه خویش به خاک خفت و عالمی از علم و معرفت را با خود مدفون ساخت.

\*

در گذشت حجة الاسلام والمسلمین قرنی گلپایگانی



دانشمند بزرگوار و عالم عامل عالممقدار حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی قرنی گلپایگانی - رحمه الله علیه - در سال ۱۳۳۳ق در بیت علم و تقواد «گوگد» - یک فرسخی گلپایگان دیده به جهان گشود. پدرش عالم جلیل فاضل نبیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی - منسوب به تابعی بزرگوار اویس قرنی (شهید جنگ صفین) - بوده است.

فقید سعید پس از فرا گرفتن خواندن و نوشتن و بهره‌وری از دروس مکتبخانه، به تحصیل علوم دینی روی آورد و در محضر پدر بزرگوارش فنون ادب و ادبیات عرب را فرا گرفت، سپس در ۲۴ سالگی (۱۳۵۷ق) به حوزه علمیه قم آمد و باقیمانده سطوح را از محضر آیات عظام: آقای گلپایگانی و آیت الله نجفی مرعشی آموخت. در سال ۱۳۶۳ق به نجف اشرف رفت و به مدت سه سال از بحث‌های فقه و اصول آیت الله خوئی و آیت الله شیخ محمد علی کاظمینی بهره برد و در سال ۱۳۶۶ق به قم بازگشت و سالیان فراوان از محضر آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله سید محمد تقی

مصر - مشهور است).

او با اینکه از مطرح شدن و مرجعیت و فتوا دوری می‌کرد، اما اهالی بحرین بر تقلید از وی اصرار ورزیدند و از او درخواست رساله عملیه می‌کردند تا بدانجا که وی این تقاضا را - مبنی بر اینکه از او هیچ ترویج نشود - پذیرفت، و روز به روز بر تعداد مقلدین معظم له در بحرین و مناطق شرقی جزیره العرب و خوزستان و جنوب عراق افزوده گشت.

برخی از تالیفات آن فقیه فقید عبارت است از:

۱. کلمة التقوی (۱۰ جلد) - رساله فتوایی ایشان که در بر گیرنده استقصاء فروع فقهی، تعبد محض به روایات ائمه اطهار، تقارب استنباطات با ذوق عرفی، امتزاج فروع فقهی با مسائل اخلاقی و اشاره اجمالی به دلیل فتوا است.

۲. تعلیقه بر عروة الوثقی

۳. مناسک حج (تعلیقه بر مناسک حج آیت الله حکیم)

۴. تعلیقه بر رساله صلاحات شیخ یوسف بحرانی

۵. تعلیقه بر نهایة الافکار (تقریرات بحث اصول آقا ضیاء الدین عراقی) - مخطوطه

۶. الاخلاق عند الامام الصادق (ع)

۷. الاسلام ینابیه، مناهجه، غایته

۸. الی الطلیعة المؤمنة - مجموعه‌ای از نامه‌های جوانان به او و پاسخش بدان‌ها.

۹. مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویة

۱۰. العفاف بین السلب و الايجاب

۱۱. من اشعة القرآن

۱۲. امالی الحیة - دیوان شعر -

۱۳. رسالات السماء

سرانجام آن فقیه بزرگ، پس از عمری ۸۵ ساله، در روز چهارشنبه ۲۹ صفر الخیر ۱۴۱۹ق (۳ تیرماه ۱۳۷۷ش) در نجف اشرف

بسیاری از گوشه و کنار بحرین حاضر می‌شدند. وی در آن روز، از چند ساعت پیش از اذان ظهر به مسجد می‌آمد و به پاسخگویی و سخنرانی برای جوانان می‌پرداخت و پس از ظهر به ایراد سخن با اسلوب رفیع ادبی می‌پرداخت. سخن او - که مشتمل بر مواظ و نصائح برگرفته از قرآن و حدیث بود - در دل شنوندگان شرری می‌انگیخت و اشک را از دیدگان ایشان جاری می‌ساخت. فقید سعید مثال مجسم زهد و تقوی بود، از مظاهر تشخیص و خودنمایی دوری می‌کرد و به رعایت مکارم اخلاق پای می‌فشرد. با ضعف و پیری اش در جلو پای واردین، تمام قدر بر می‌خاست و در مجلس خود از غیبت افراد جلوگیری می‌نمود. او به جوانان اهمیت بسیار می‌داد و برای آنان جلسات هفتگی می‌گذاشت و به پرسش‌ها و نامه‌های آنان، پاسخ مکتوب می‌داد و تایش «الی الطلیعة المؤمنة» نمونه‌ای روشن از محبت و علاقه او به جوانان است، وی با کلامی پدران و نثری احساسی - که برخاسته از قلبی رؤف و مهربان است - به پند و اندرز جوانان برخاسته و راه در مان در ده‌های آنان را نمایانده است.

او در حوزه نجف به نظم و نثر و تألیف و اخلاق و تقوی و خوش رفتاری مشهور بود و مورد احترام تمام علمای نجف در علوم لغوی و ادبی دستی توانا داشت و شعر را خوب می‌سرود و نثرش بسیار زیبا بود. در میان اساتید نجف، تنها او بود که درسی در ادب برای تربیت نویسندگان و شاعران تشکیل داده بود خطش نیکو بود و در بحث علمی جانب انصاف را رعایت می‌کرد و با تمام خیریت و مهارت در فقه و اصول، در صدد ظهور و بروز بر نیامد. وی در جهت ایجاد تقریب و وحدت بین دو مدرسه اصولی و اخباری بسیار کوشید و از اندیشه «تقریب بین مذاهب اسلامی» سخت حمایت می‌کرد (که نامه اش به شیخ احمد حسن باقوری - وزیر اوقاف

خوانساری توشه برگرفت و پس از چند سال اقامت، به دستور آیت الله بروجردی برای ترویج دین به «علیشاه عوض» از توابع شهریار مهاجرت کرد و در مسجد حاج حسن به اقامه جماعت (صبح و ظهر و شب) و بزرگداشت شعائر مذهبی پرداخت و در خلال آن به تألیف و تصنیف و راهنمایی مردم اشتغال داشت. وی در مدت چهار سال اقامتش در آنجا، با وعظ و ارشاد خویش توانست نسلی از مردم متدین را پرورش دهد و برخی از کتاب هایش را به رشته تحریر درآورد. او بر انجام مستحبات - به ویژه انجام نوافل شبانه - و پرهیز از مکروهات پای می فشرد و از اوقاتش به کمال استفاده می کرد و از زندگی ساده و توأم با قناعت

برخوردار بود و در حدیث و تفسیر و تاریخ دستی توانا داشت.  
 برخی از تألیفات معظم له - که اغلب آنها به چاپ رسیده است - عبارت است از:  
 ۱. منهاج السرور یا یکصد و ده حکایت (جلد ۴) - در مواعظ و حکایات و اشعار اخلاقی -  
 ۲. منهاج الدموع - در مقتل امام حسین علیه السلام -  
 ۳. منهاج الولاية (۲ ج) - در تاریخ زندگی چهارده معصوم علیهم السلام -  
 ۴. منهاج الجنان - در ادعیه -  
 ۵. زبدة المنهاج - در اسرار معراج پیامبر اکرم (ص) -  
 ۶. سوقات سفر «تحفة الرائد» - (۲ ج)

۷. منتهی المقال فی اکتساب الفضائل والکمال - در اخلاق و مواعظ -  
 ۸. پیوند دو گل - درباره آداب ازدواج -  
 ۹. در المنظوم یا آینه عمر - داستان زندگانی اش به نظم -  
 ۱۰. دیوان اشعار - به چاپ نرسیده است.  
 سرانجام آن عالم بزرگوار پس از عمری ۸۵ ساله، در ۲۵ ذیحجه الحرام ۱۴۱۸ ق (سوم اردیبهشت ۱۳۷۷ ش) بدرود حیات گفت و پس از تشییعی باشکوه و نماز آیت الله محمودی گلپایگانی بر پیکرش، در امامزاده اسماعیل شهریار به خاک سپرده شد.  
**ناصرالدین انصاری قمی**



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فرهنگی

انتشار نشریه گفتمان

سردبیر این نشریه در معرفی و بیان اهداف نشریه می نویسد:

## گفتمان

فصلنامه سیاسی - اجتماعی  
شماره صفر - بهار ۱۳۷۷

در سپهر مدرنیسم و فرامدرنیسم

- متن، واکشود و تحلیل گفتمان (۱)
- گفتمان به دیده کریستوفر نوریس
- گفتمان به دیده ارنستو لاکلاو
- جرفه تاریخیگری در قرون وسطای متأخر (تاملاتی در اندیشه یواخیم فیوره ای)
- کانت و مدرنیته
- قدرت، و امنیت در عصر پسامدرن
- سیاست پسامدرن
- فرا نوگرایی و نئوپوزیون
- گفتگویی با پروفیسور بیات
- مبنای انتصاب (۱)

زمان خود و جستجویی است برای دست یافتن به نگاهی دیگر در تحلیل و تبیین مسائل جدید سیاسی - اجتماعی».  
 برخی از مقالات شماره صفر گفتمان عبارتند از متن، واکشود و تحلیل گفتمان (۱)؛ گفتمان به دیده کریستوفر نوریس؛ کانت و مدرنیته؛ قدرت و امنیت در عصر پسامدرن؛ سیاست پسامدرن؛ انتصاب (۱) و ...  
 مدیرمسئول و سردبیری گفتمان را آقای محمدرضا تاجیک عهده دارند. آینه پژوهش ورود گفتمان را به عرصه مطبوعات تبریک گفته برای دست اندرکاران آن موفقیت آرزو می کند.

«گفتمان تلاشی است برای آشنایی با صداهای مختلف و مسکوت نگاه داشته شده. قرائتی است از تاریخ نانبشته و بازخوانی ایده های آرشیو شده. گفتمان مسجالی است برای طرح آموزه ها و گفتمان های نوین در عرصه سیاست و اجتماع. دعوتی است برای تعریف مدلول ها و مصداق های زمینه پرورده و نیاز پرورده برای دال ها و مفاهیم دیر آشنا و در نتیجه باز تعریف کلمه نهایی ای برای روایت خود و دیگری.  
 گفتمان حرکتی است شالوده شکنانه و اساسازانه در برخورد با فراروایت های مدرنیته، غرب و ... و در مجموع گفتمان پاسخی است به نیازهای معرفت شناسانه

